

مقدمه شماره نود و هشت:

ادبیات تطبیقی فارسی و

کشورهای عربی سرزمین‌های شامات و شمال آفریقا

دکتر احسان قبول*

یکی از برنامه‌های دهه‌ی اخیر در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی «همایش‌های ادواری ادبیات تطبیقی ایران و جهان عرب» است. نخستین آن را در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه لبنان و با همکاری دانشگاه فردوسی مشهد برگزار کردیم. دومین و سومین همایش در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی مشهد و با مشارکت برخی دانشگاه‌های کشورهای عربی برگزار گردید. چهارمین دوره‌ی این همایش را در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه دمشق با محوریت «ادبیات تطبیقی فارسی و عربی در سرزمین‌های شامات و شمال آفریقا» برپاداشتیم. در این همایش از مجموع ۱۰۵ مقاله ارسالی ۱۵ مقاله از نویسندگان کشورهای ایران، سوریه، اردن و لبنان برای چاپ در مجموعه مقالات همایش پذیرفته شد که در این شماره و شماره‌های بعدی مجله الدراسات الأدبية به چاپ خواهد رسید.

هر چند بر پایه‌ی نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی همه‌ی کشورهای عربی که آثار ادبی‌شان به زبان عربی خلق می‌شود در ذیل یک ادبیات جای می‌گیرد و تفاوتی میان پژوهش تطبیقی میان ادبیات فارسی با عربی در منطقه شامات یا شمال آفریقا یا عراق یا کشورهای اطراف خلیج فارس نیست؛ اما واقعیت این است که هر چند زبان همه‌ی این آثار عربی است اما عوامل فرهنگی، اجتماعی، فکری، تاریخی،

* سردبیر، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (ایران) (ghabool@um.ac.ir)

مذهبی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی تفاوت‌های بنیادینی در ساخت و معنای آثار کشورهای مختلف عربی پدید آورده است و دسته‌بندی این کشورهای عربی بر اساس عوامل مذکور خصوصاً عامل جغرافیا و نظام سیاسی و مقایسه‌ی آثار ادبی آن با ادبیات فارسی می‌تواند نتایج دقیق‌تر و رهگشاتری ارائه نماید. همان‌گونه که قرار دادن همه‌ی آثار کشورهای فارسی زبان در ذیل یک ادبیات لحاظ نکردن تفاوت‌های بنیادین میان نظام فکری و فرهنگی کشورهای چینی ایران و تاجیکستان و افغانستان است. بنابراین لازم می‌نماید که در این باره به نظریه‌ی آمریکایی ادبیات تطبیقی توجه بیش‌تری شود؛ نظریه‌ای که در مطالعات فرهنگی آثار ادبی ملل تفاوت زبانی را لحاظ نمی‌کند.

در این شماره ۵ مقاله به چاپ رسیده است. سه مقاله‌ی «ترجمه و نقش کلیدی آن در ارتباطات علمی- فرهنگی ایران و سوریه» و «ارتباط ادبی زبان فارسی و عربی عصر امویان در سرزمین‌های شام» و «الأنثی الوجود والکینونة دراسة مقارنة بين تجربتي الشاعرتين (فروغ فرخزاد) و (غادة السمان) الشعريتين» بر روابط ادبی و فرهنگی ایران و سرزمین‌های شامات متمرکز است. مقاله‌ی «سردیات المرأة فی الروائیة العربية والإیرانية» نگاهی تطبیقی به روایت‌هایی از زن در ادبیات فارسی دوره قاجار و عرب داشته و مقاله‌ی «التنّاصّ وجمالیة القول الشعري قراءة فی شعر جمال النّصاري وناجي الحجلّاوي» به مقایسه شاعر ایرانی عرب‌زبان و شاعری از کشور تونس پرداخته است.

امید است که مقالات شماره ۹۸ مجله الدراسات الأدبية بتواند در آشنایی بیش‌تر خوانندگان با روابط ادبی ایران و کشورهای عربی خصوصاً سرزمین شامات و تونس مفید باشد.